

حیات من و موجودیت من و امثال من در برابر حیات و استقلال و عظمت و سرفرازی میلیونها ایرانی و نسلهای متوالی این ملت کوچکترین ارزشی ندارد. دکتر محمد مصدق

اتحاد بزرگ

شماره ۱۰ دیماه ۱۳۵۸

روز ولادت حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام برای همه مسلمانان بویژه ایرانیان روز پربرکتی است. امام هشتم شیعیان جهان تنها امامی است که در مبارزه علیه نظام ظالمانه خلفای غاصب، بسوی وطن ما هجرت فرمود و در خراسان بزرگ که مرکز فرهنگ و انقلاب اسلامی بود، علم عدالت خواهی و حقیقت طلبی نهضت تشیع را برافراشت.

تولد آن یار ستمدیدگان را به عموم شیعیان جهان بویژه به هم میپستان شادباش میگوئیم.

بقلم دکتر ناصر تکمیل همایون

هجرتی در پرواز و غربتی انقلاب آفرین

شاید مبارزه‌ای را که برای نخستین بار در تاریخ معاصر ایران در «سپهر» شکل میگرفت، بدخل «سیستم» و با «مذکرات» و «زد و بندها» و «بده بستانهای سیاسی بشکلی رژیم درحال سقوط را نجات دهند، بلکه عوامل برون بقیه در صفحه ۴

با اوج گیری نهضت استقلال طلبانه و آزادیخواهانه ملت ایران در حرکت اسلامی و نزدیک تر شدن سقوط دستگاه استبدادی وابسته به بیگانه، نه تنها عوامل درون جامعه‌ای امم از سیاسی و نظامی، به سرکوبیهای علیه مردم شدت دادند و با در تقاضا و ریاکاری کوشش کردند تا

تلاش امپریالیست‌ها برای جبران شکست

شکست

کشورهای خلیج فارس رویرو می‌شود و بقیه در صفحه ۴

شوند. همزمان با تقویت نیروهای نظامی آمریکا در جزیره «دینگو گاریس» شش هزار سرباز آمریکائی در بحرین پیاده می‌شوند و عمان برای بیشتر جلوه دادن خطر، طرحی را بعنوان دفاع از تنگه هرمز مطرح می‌کند.

قاپوس که تحصیلات خود را در انگلستان گذرانده در این طرح بنحوی حضور آمریکا - انگلستان و آلمان را می‌کنجاند. پنتاگون برای حفظ دست نشانده خود بطور رسمی حضور ناوگان دریائی و اسکادرانهای هوائی خود را بمدت چهار ماه در سال در عمان مطرح می‌کند. این حرکتها با واکنش های گوناگون

صدر نشینان و اشنگتن ولندن تنها متکی به روشهای معمول سیاسی نیستند

خلیج فارس اینروزها شاهد تحولات سیاسی و نظامی شدیدی است که نشان از حرکتهای تازه امپریالیسم در ایسن منطقه دارد. معادله‌های امپریالیستها را در منطقه بیهم ریخت و در داس آن آمریکا را باشکستی سخت رویرو کرد. ولی اگر تصور کنیم که در پی این شکست واشنگتن به راحتی دست ازمنافع سرشازش بسر داشته است سخت در اشتباهیم.

نرخ کالاها هر روز افزایش می یابد

به صاحبان تولید اختصاص می‌دهد و یا با پرداخت مقداری از هزینه تمام شده جنس یا کالا «سوپر سید» آن مواد را ارزاتر از تولید در اختیار مردم قرار می‌دهد در ایران بقیه در صفحه ۳

تازه‌ای یافتند تعدادی از افزایش قیمت‌ها بر روی اجناسی بوده است که از سوی بخش خصوصی بفروش می‌رسد و دولت هم در این رهگذر تا آنجا که توانسته با کاستن از درصدی که برای اجناس مسی برداخت (سوپر سید) و با افزودن بر نرخ آب و برق و دیگر نیازها، مشکلات مردم را بیش از پیش کرده است. در کشورهای مختلف دولت همیشه میزانی از بودجه را برای کمک

نرخ تازه برق هم تعیین شد و بسا بهای تازه که از سوی وزارت نیرو اعلام شده است مردم ناگزیرند مبلغی بیش از گذشته بپردازند.

برق تنها موردی نیست که نرخ‌افزایشی برای آن در نظر گرفته شده و در طی ماه‌های گذشته سرعت شاهد افزایش کالاها و دیگر نیازهای مردم بسوده‌ایم و حتی اتوبوسها با کمربندی شدن نرخ بالاتر و

هویت شهر تهران را حفظ کنید

غم شیر آشنا و محبوب، زادگاه و خاطرات تلخ و شیرین کودکی‌ها، می‌گویم. گویا هرچه آن ایل غارتگر زیر پوشش- های گونه‌گون بر سر تمامی میهن آوردند بس نبود! آنها بافت سنتی و با شکوه شهرها را بخاطر دل هوسناک خود تغییر دادند، و کوشیدند زندگی ما را از حافظه تاریخی بزدایند. یادانان هست خیمه‌شب بازی جزیره کیش را با درختانی که بهبهای میلیونها با خاک مخصوص و هوا بیماه ویژه آوردند و متخصص برآنها گماردند تا تغییر آب و هوا آسیبی به آنها نرساند و دیدگاه آن عیاشان دلپذیر و خیال‌انگیز باشد. کوچ مردم گرسنه و پابرهنگه بومی را بیاد آورید! برای آنها چه تفاوت می‌کرد که بر سر دریاگان چه بلای بیاید!

بگونه‌ای مسئول و کار بدست این امید را روزهای نخست به واقعیت نزدیک می‌کرد. ولی با دریغ هرچه زمان بیشتر گذشت، این امید به نوبدی کشید. بر زندگی اجتماعی گرد ملال پاشید و کار بدانجا رسید که امروز جز انگشت شمار مردم سراپا ایمان ندانیم تلخی‌ها، آگاهی‌ها، زشتی‌ها و ستم‌ها جای خود را به شیرینی و زیبایی و دوستی و عدالت خواهند داد و حضور تنی چند از مبارزان آبدیده و زندان کشیده و در دانشنا

با خود گفتیم آن قوم بی‌غماغی خود فروخته را با زادوولدشان، با درودرندشان بقیه در صفحه ۴

حقیقت را نمی توان پنهان کرد

در برنامه رادیویی روز دوشنبه که مسائل آموزش و پرورش در آن مطرح می‌شود شخصی بسختی از بخش اظهارات چند دانش آموز در این برنامه که از نارسائی وضع آموزش و پرورش سخن گفته بودند اظهار داشته بودند چرا بایستی در دوران انقلاب برای ثبت نام شهریه بپردازیم و یا اینکه امکانات آموزشی کافی در مدارس وجود ندارد و در دوران انقلاب بایستی با چنین وضعی رویرو باشیم انتقاد می‌کند. شخصی انتقاد کننده که یک «فرهنگی» هم بود تهیه کننده و مجری برنامه را بخاطر بخش این حقایق ضد انقلابی خواند و با این استدلال که بخش اینگونه مطالب اگر هم حقیقت باشد مصالحت نیست و نباید صورت گیرد گفت مطالبی از این قبیل جز ایجاد آشوب نتیجه‌ی دیگری ندارد.

وقتی این سخنان را از رادیو شنیدیم بناگاه بیاد دروانی افتادم که با همین استدلال ما را از نوشتن و گفتن باز می‌داشتند. بازگویی حقیقی را ممنوع می‌کردند و هر نارسائی را زیر سرپوش قرار میدادند و بالاخره نتیجه چنین سیاستی آن شد که دیدیم و خورش همگانی مردم کسه نتیجه برآمده از این نافرمانی بود.

شما چگونه آموزش دهنده‌ای هستید که نمی‌خواهید حداقل با حقایق مربوط به کار خودتان آشنا شوید و برای آن درمانی لازم بیابید. این حرف صحیحی است که دانش‌آموزان قبل از انقلاب شهریه‌ای نمی‌پرداختند و اکنون بایستی شهریه بپردازند شما آموزگار محترم قبل از اینکه بخش این حقیقت را محکوم کنید و به آن شاخ و برگ بچسبید بدهید خود و تشکیلات آموزشی خود را بایستی محکوم کنید استدلال شما برای نگفتن و ننوشتن حقایق همانا سانسور بشکل کثیف و زشت آن است که عدم آن یکی از

سخنگوی اداره وظیفه عمومی اعلام کرد: «به منظور بهره‌گیری از خدمات افراد متعهد و مسوول و مومن به انقلاب اسلامی ایران که خدمت زیر پرچم خود را از سالهای ۵۲ تا پایان ۵۷ به انجام رسانده‌اند، دعوت می‌گردد که در صورت تمایل به لحاظ همکاری با برادران نظامی و انتظامی خود به پادگانهای نظامی و واحدهای ژاندارمری مراجعه نمایند.»

بیمگان این درخواستی از سوی ارتش ملی جمهوری اسلامی، با توجه به شرایط ویژه‌ی میهن و توطئه‌هایی که از سوی ابرقوتها در بخش‌های آسیب‌پذیر ایران وجود دارد و امکان‌ناجعه آفرینی و از این راه دستاوردهای انقلاب را به خطر انداختن می‌باشد، با استقبال جوانان آزاده و میهن دوست رویرو خواهد شد.

ارتش با شرکت ایشارگونه‌اش برای دفاع از مرزهای ایران و ایجاد آرامشی نسبی، به مردم این سرزمین نشان داد که با انقلاب و ویژگی‌های انقلابی میهن، به مفهوم واقعی هم‌آهنگ است و نیازهای ملی را پاسخگو.

امیرانی که به بهای انهدام ارتش حاضر به همراهی با نیروهای مردم‌نشدند، امروز یا به آتش خشم ملت خاکستر شده‌اند یا آواری دیار غربت و آنکه در ارتش و زیر پوشش این نظام مانده، به

آزادی....

اگر مفهوم آزادی واقعی اینستکه افراد کشوری حق داشته باشند در مسائلی که مربوط به سرنوشت آنهاست اظهار نظر کرده و رای بدهند، بنابراین دولت در مورد انتقادات اجتماعی نباید حساسیت نشان دهد. زیرا اگر مانی فرا راه اینگونه انتقادات باشد، هیچگاه آزادی واقعی وجود نخواهد داشت. وقتی نظام اجتماعی بگونه‌ای بود که مقام‌های مسئول توانستند اظهار نظر مردم و بیان آزادانه انتقادی آنها را گرچه به زبان مصالح خصوصی آنها باشد، تحمل کنند، در انصورت حکومت به دموکراسی نزدیک خواهد بود. و این سوءتفاهم بوجود نخواهد آمد که آنچه بصورت تاسیسات دموکراتیک در جامعه پیش می‌خورد، در حقیقت چیزی جز اجزاء وابسته به گروه خاص و مطیع نظرات آنان و وابسته به منافع و مصالح آنها نیست. اگر بخواهیم بیان انتقادی را که به زبان منافع خصوصی ماست با مسائل دیگر از قبیل آشوب‌طلبی و یا انتشارش‌گری بی‌میزان یا آزادی و فضیلت انسانی به مقابله بروخاسته‌ایم. با چنین روحیه‌ای هرگز نمی‌توان به آزادی دست یافت. و جنبش‌جویش و تحریک و آشوب‌طلبی و تلافی خواهد شد.

با از بین رفتن حق انتقاد و ایجاد بقیه در صفحه ۴

به ایران بیندیشیم

هدا در زمان دهید تلخی‌های گذشته، درخیم و سلول نمناک و صدای زنجیر را

در دوران سخت گذر کنونی که خطر ازهر سو دستاورد های انقلاب را تهدید می‌کند و دشمن درچهره های گونه‌گون و آراسته و فریبنده هر لحظه رخ می‌نماید، حیاتی-ترین وظیفه‌ی پاسداران واقعی این بود. بر، آنها که به ایران و سرنوشت آن، به مردم آسیب دیدند و لاکشیده‌ی آن بیش از خودی- اندیشند، جستجوی راهی است که هدف- های متمدن انقلاب اسلامی ایران یعنی استقلال به معنای رهایی از سلطه بیگانگان و آزادی به مفهوم رهایی از قهر استبداد و زیستن در شرایطی انسانی با برخورداری از موهبت های یکنزدگی آزاد و بی‌دغغه، را حفظ نماید و عدالت اجتماعی را در جامعه‌ی سالیان دراز زیر تازیانه‌ی ستم بسر برده‌ی ما گسترش دهد.

خوب پیداست که در تحقق هدف های انقلاب داشتن جدول ارزش های انقلابی بسنده است و نیازی به الگوی بیگانه نمی باشد.

امروز اگر بزرگتر ها، بدلیل کم کردن آن بقیه در صفحه ۴

دگر گونی در مفهوم واقعی کلمات

خبرگزاری پارس از قول سخنگوی دولت چنین خبر داد «نخست وزیر طی نامه‌ی به وزارت آموزش و پرورش ابلاغ کرده است که طرح دولتی شدن مدارس ملی که اجرای آن در سال تحصیلی جاری با مشکلاتی مواجه است فعلا به‌مورد اجرا درنیاورد است.»

در نظام مردم سالاری - زیر عنوان تحولت برگزیده‌ی مردم است و دولتی مفهومی برابر با ملی دارد بهین دلیل وقتی می-گوئیم مجلس شورای ملی مفهومی که به ذهنان القایی شود نداشتگر این واقعیت است که نمایندگان انتخاب شده‌ی مردم هستند و ملی لقب گرفته‌اند و دولت نیز با واسطه‌ی آنها برگزیده‌ی مردم است و نماینده‌ی جامعه. با این تعریف مدرسه‌ی ملی، دولتی نمی تواند بشود. آنچه در یک نظام صحیح مردمی، مبتنی بر عدالت اجتماعی باید انجام پذیرد ملی شدن واحد های خصوصی است و به مالکیت دولت درآوردن آنها، تا دولت به نمایندگی از سوی مردم

برهان از نوع سوم

هر روز مسیری نیست که طی شود و چند نفری را بنییم که در چهارراهها مشغول نزاع نباشند. حالت عصبی مردم که در بوقهای ممتد و گوشخراش دیده می‌شود هنگام و آرامش دیگران را سلب می‌کند. بازوی پرورش یافته و بیرون از پنجره اتومبیل کارت سفیدی است برای هر خلاف، درشتی و بدخونی و هرگز راننده‌ای که همراه همسر و فرزند خود است یا زوجی که برای حداقل تنفسی به خیابانها آمده‌اند و بویژه خانمهای راننده در مقابل چنین «برهانی» مقاومت نمی‌کنند که این بر قند کاذب اینگونه افراد می‌افزاید و ماموران هم بر این حوادث دیدی گذرا دارند.

بدخون‌هایی که از چند ماه قبل از انقلاب جای خود را به دوستی و محبت داده بود دوباره جان می‌گیرد و واکنش‌های عصبی در حد بسیار خطرناکی در جامعه رشد می‌یابد و آزادی بی‌بند و باری که برای سوء استفاده کنندگان پیش آمده است بزرگترین لطمه را بر دیگر انقلاب ما خواهد زد اگر برای جلوگیری از آن تدبیری خردمندانه نیاندیشیم.

خود را در این مجموعه از دست داده‌اند !!

قیام سرهنگ محمد تقی پسیان



سرهنگ محمد تقی پسیان در ۱۰ مهرماه ۱۳۰۰ شمسی در راه اعتلای وطن به شهادت رسید و بدین سبب مناسب دیدیم تا بیادان افسر دلاور و آگاهی نسل جوان از چگونگی قیام و آرمانهای او به اختصار سخن گوئیم.

برای دردک این واقعه تجسم وضع ایران آن زمان ضروری است. نفوذ انگلستان از زمان فتحعلیشاه در ایران رو به افزایش نهاد و به تدریج با ایجاد

لژهای فراماسونری بسط یافت تا بجائی که منجر به قرارداد ۱۹۱۹ گردید. شوروی نیز ببلغز تجزیه قفقاز در ایران نفوذ یافت تا بجائی که محمدعلیشاه بطور علنی بصورت طرفدار و عامل روسیه در آمد و عده‌ای از رجال نیز طرفدار روسیه و با اصطلاح «روسوفیل» شدند. برای گرفتن

امتيازات جدید کار این دو کشور در ایران به رقابت و گاه کشمکش و درگیری کشیده شد بطوریکه هرگاه انگلستان بیه کمک ایاری خود امتیازی تحصیل مینمود. رجال «روسوفیل» صدایشان به آسمان بلند می شد که چرا در مقابل به روسها در شمال امتیاز داده نشده است و رفته رفته کار بدینجا کشید که در مقابل هر امتیازی که به انگلیس داده میشد حتما باید امتیازی نیز تقدیم روس گردد و یا بالعکس و بدینوسیله است که اغلب برسر این موضوع بین این دو کشور اختلاف بوجود می آمد اما در مرحله نهائی برسر تقسیم غنایم به توافق میرسیدند و در اواخر برای جلوگیری از مناقشات تصمیم به عقد قرارداد

دارایی سرهنگ پسیان جمعا ۲۷۰ تومان بود

۱۹۰۷ و مشخص کردن منطقه نفوذ یکدیگر گرفتند که به موجب آن دولت بریتانیا متمه گردید که در ماوراء خطی که از نصر شیرین شروع شده و از اصفهان و یزد و خواف گذشته و به نقطه‌ای در سرحد ایران و افغانستان بنام «دوالفقار» منتهی میشود برای خود امتیازی کسب نکند و در مقابل دولت روسیه نیز متمه شد که در ماوراء خطی که از «مژدیک» شروع واز بیرجند و کرمان گذشته و به بندرعباس منتهی میشود برای خود امتیازی کسب نکند و بین این دو منطقه را که عملا تحت نفوذ انگلیس بود منطقه آزاد نام نهادند و چند سال بعد که انقلاب ۱۹۱۷ در روسیه

سازمان یافتگی نه تنها به اتحاد بستگی دارد، بلکه نتیجه طبیعی تحول آنتست. بهین نسبت لزوم کوشش های دولت انقلابی برای ایجاد وحدت بین مردم سعی در سازمان دادن به آنهاست. باید مردم مشاهده کنند که مبارزه برای آزادی یک وظیفه ملی و حقیقی است. دولت باید با جرات و شهادت و بدون تکرر و نخوت در کوشش های اجتماعی شریک بوده و در مبارزات برای آزادی سهمیم باشد. این چنین تشریک مساعی خطر کنترل نامعلوم را کاهش می دهد نوع این تشریک مساعی بر حسب موقعیت های تاریخی تفاوت می کند، ولی نباید فراموش کرد که همگونه بودن دولت و مردم جزء لاینجزای هرفلسلام انقلابی است.

برای اینکه تصمیم بگیریم که چگونه و از چه طریق در تشریک مساعی با مردم شرکت کنیم باید دائما به دانش انتقادی خود راجع به موقعیت تاریخی گذشته و

سرهنگ پسیان به ریاست زاندامری خراسان برگزیده شد.

چند بزرگ او رستم بیک در سال ۱۲۰۴ خورشیدی بعد از سقوط قفقاز بدست روسیه به تبریز آمد و در آنجا اقامت گزید سرهنگ پسیان در سال ۱۲۶۹ دوتبریز متولد شد و از ۸ تا ۱۳ سالگی در آن شهر ابتدا در منزل و مکتب و سپس در اولین مدرسه آن شهر که بنام «لهمانه» معروف بود به تحصیل پرداخت و سپس برای تکمیل تحصیلات به تهران آمده و در سن پانزده سالگی به مدرسه نظام وارد شد خواند و هرگونه عز و نصب خارج از دولت و بعد از ۵ سال تحصیل در مدرسه نظام در سال ۱۲۸۹ با درجه نسیاب دومی (ستوانومی) وارد تشکیلات زاندامری که توسط صاحب منصبان سوئدی اداره میشد گردید. در فاصله کوتاهی به علت ابراز لیاقت به درجه سلطنتی (سروانی) نائل و در منطقه همدان به خدمت مشغول گردید و در سن ۲۳ سالگی به درجه یابوری (سرگردی) رسید در سال ۱۲۹۵ به آلمان رفت و در نیروی هوایی آلمان به آموزش خلبانی پرداخت و به تحصیل ریاضیات و موسیقی و ادبیات همت گماشت و در طول دوران جنگ اول در جبهه لهستان در جنگ شرکت کرد و تا متراکه جنگ در آلمان بود تا در سال ۱۲۹۸ بیه وطن بازگشت.

در این زمان قوام السلطنه حاکم

سرهنگ پسیان: اگر مرا بکشند قطرات خون من کلمه ایران را ترسیم خواهد کرد

مطلق استان خراسان بوده و با زد و بند بودجه زاندامری را به تصرف خود در آورده بود بطوریکه مهابا حقوق زاندامری پرداخت نمیشد و ارا طرف دیگر با دستگیری ارا طرفیان حتی به موقوفات استان قس نیز دست انداخته و مشغول جمع آوری هر چه بیشتر مال و منال شد و تمام ارکان استان را در اختیار داشت.

با ورود سرهنگ پسیان به مشهد سدی در راه هدفهای قوام بوجود آمد در فاصله کوتاهی سرهنگ پسیان بودجه زاندامری را از چنگال کینه سیاستمداری مانند قوام خارج کرد و با تأسیس مدرسه زاندامری به تربیت کادریهای جدید پرداخت و در اندک زمانی موفق به سازماندهی قوای زاندامر مرکب از ۸ هزار نفر گردید که اهمیت این نیروی متشکل موقعی نمایان میگردد که بدینم در خود پایتخت یک نیروی هزار نفری منظم و کارآمد بوجود نداشت. قوام السلطنه نیز برای مقابله با جبهه گیری های مرکز و قوای زاندامری خراسان شروع به جمع آوری قوا و تهیه اسلحه نمود و به مرکز نیز چنین وانمود میکرد که برای مقابله با قوای بلشویزم مشغول تهیه یک قشون ۸ هزار نفری است قوام از دو نظر با هرگونه مخالفت نسبت به سرهنگ پسیان کوشا بود. نخست منافع ناشروعش به خطر افتاده و از بین رفته بود و دیگر اینکه سرهنگ را افسری با پرستی و فعال و مدیر تشخیص داده بود و به این علت او را کاملا مانع پیشرفت افکار خود میدانست این وضعیت وجود داشت تا جشن نوروز ۱۳۰۰ فرا رسید

صبح نوروز طبق رسم همیشگی مراسم سان و رژه نیروها برگزار گردید اما برخلاف سانهای قبل به دستور قوام تهنال احد شاه را از مراسم حذف کردند و اینکار باعث شد تا زاندامری از انجام مراسم خودداری کند (باید توجه داشت که احمد شاه در آن زمان بعلمت رعایت اصول قانون مشروطیت بین طبقات مختلف محبوبیت داشت و ارا مظهر مشروطیت می نامیدند) و بدین ترتیب مخالفت سرهنگ پسیان با قوام صورت علنی بعود گرفت. یک هفته بعد سیدضیاءالدین دستور دستگیری قوام را به سرهنگ میدهد و او برای جلوگیری از خونریزی حداکثر تلاش خود را مینماید و در یک فرصت مناسب بدون درگیری قوام را دستگیر و با اینکه مردم خراسان درخواست محاکمه و مجازات او را در محل داشتند معذرا او را همراه اسکورت به تهران میفرستد و از طرف دولت سرهنگ پسیان به کفالت استان خراسان منصوب میگردد.

دستگیری قوام موجب شادمانی طبقات مختلف خراسان شد سرهنگ پسیان دستور داد تا اموال توقیف شده قوام را بحساب قروضی که به اداره مالیه داشت منظور دارند زیرا قوام مبلغ قابل توجهی بسطور علی الحساب از بودجه دریافت کرده بود. با توجه به باکی و بسری نایزی سرهنگ پسیان اداره های استان به نوال طبیعی خود اکتفا و برخلاف قوام سرهنگ پسیان توجه بسیاری به حل مشکلات مردم و رسیدگی به شکایات آنان نمود و در بین توده های مردم محبوبیت بسیاری پیدا کرد. او کوچکترین تمایلی به جمع آوری ثروت نداشت و با وجود اینکه مقروض بود وقتی کابینه سیدضیاءالدین طی تصویب نامه ای علاوه بر حقوق درجه، مستعفی دانهی بملغ ماهیانه ۳۰۰ تومان برای وی برقرار کرد در جواب بعد از تشکر نوشت که: (چون از ضعف بنده مالی خزانه بی اطلاع نیستیم استدعا دارم از دریافت آن معذور دارید.) و بدوستی که در هنگام نوشتن این جواب

سرهنگ پسیان هنگامیکه در محاصره بود به یارانش گفت با خون من روی کفتم بنویسید وطن و آنرا برای مادرم بفرستید

در دفترش حضور داشت گفته بود که: این پول را از بیوه زنان و یتیمانی که مودشان از هر حیث قابل ترجمه میباشند بمنسوان مالیات گرفته و میخوانند بمن بدهند. او ضابطه جدیدی در روابط با زبردستان بوجود آورد بنحوی که افسران و افراد زاندامر بدست وی را دوست می داشتند و برای اجرای فرامین او جانبازی میکردند. در مدت کوتاهی تمام گردنکشان زیر فشار نیروهای زاندامری یا به خاک افغانستان فرار کردند یا تارومار شدند و بقیه نیز اعلام اطاعت کردند و آرامش در سایه جانبازیهای زاندامری به این استان بازگردید. سرهنگ پسیان جزء معهود افسرانی بود که تحصیلات نظامی خود را در اروپا تکمیل کرده و در موسیقی و ادبیات صاحب فوق بود و سرودهای مینینی که در آن زمان در مدرسه زاندامری رایج بود خود سرهنگ سروده بود که از آن جمله است: گسر ما نسما ریم شمشیر و تفنگ دشمن برانیم بسا مشت و بسا سنگ

مفهوم اینست که خود را با مردم در یک نظام مشکل بگونه ای واحد در آورند و به دیگر سخن نظام و تشکیل برای دوباره بازگرداندن تسلط انسان بر سرنسوست خویش است و هدف اعمال آزادی است و گمترش آن. این گاملا حقیقی است که بدون رهبری نظام، تصمیم و هدف هیچ سازمانی زنده نخواهد ماند و اقدام انقلابی ممکن است در اثر عدم وجود یکی از آنها از بین برود یا کارایی خود را از دست بدهد. برپسب این حقیقت نمی تواند رفتار با مردم را به عنوان کلایی که باید مورد استفاده قرار گیرد، توجه کند مردمی که در اثر روش های نظام فاسد گذشته شخصیت خود را بطور کلی از دست دادند، اگر

بختیاری بمقابله سرهنگ پسیان برود اما صمصام السلطنه که از هدفهای قوام اطلاع داشت از رفتن به مشهد خودداری و از طرف خود دومتبه کفالت استان خراسان را به سرهنگ پسیان پیشنهاد کرد، مردم خراسان نیز از سرهنگ پسیان درخواست کردند تا دومتبه امور استان را بعهده بگیرد و بدین ترتیب وی علاوه بر زاندامری کفالت استان خراسان را نیز قبول کرد و در نتیجه رابطه حکومت خراسان با دولت قوام قطع شد. سرهنگ پسیان که تنها راه نجات کشور از نابسامانی بود بوسیله عمویش زرنار حوزرخان مراتب لداکاری در راه استقلال ایران و پشتیبانی از حکومت سرگز و اساس مشروطیت را به اجمنشاه اطلاع داد اما قوام برای گرفتن انتقام بکام پسیان خود سرهنگ پسیان را متهم معرفی کرده و مانع حسن قنایم گردید و سپس با دادن وعده و وعید به سران اراکاد قوچان و سایر خوانین منطقه و تطامع کردن سه نفر از

از افسران فرمانده نیروهای عقب به پنهانهای واحدهای خود را رها کرده و از منطقه خارج میشوند و کسی که برای تهیه فستک به عقب رفته بود، بعد از جستجوی زیاد متوجه میشود که عمدا فستکهای مسلسل را موقع حرکت از مشهد با خود نیاوردند، در این لحظات که دشمن بعلمت عدم تیراندازی از طرف سرهنگ پسیان شروع به پیشروی میکردند یاران سرهنگ پیشنهااد میکنند که عقب نشینی کنند تا بعد از تجدید قوا بسه حمله بیردازند اما سرهنگ میگوید بر من مسلم است که به من خیانت گردانند و اگر امروز در جنگ کشته نشوم فردا در رختخواب مرا خواهند کشت بنابراین مرگ را بر عقب نشینی ترجیح میدهم و در مقابل ابراز وفاداری یارانش میگوید مرچه قطع دارم کسی از این مهلکه جسان سلامت در نخواهند برد ولی اگر اربابا یکی از شاهها

سلامت ماندید بگوئید که با خون من روی کفتم بنویسند «وطن» و برای مادرم بفرستد و در همین لحظه مابود که یکی پس از دیگری ارا طرفیان سرهنگ بعلمت نداشتن فستک بخون درغلختند و در پایان در حالیکه سرهنگ با حسرت به مسلسل ها و تفنگ های بدون فستک مینگریست مورد اصابت گلوله قرار گرفت و بشهادت رسید. از این مهلکه تنها یکی از یارانش بنام احسان آذرخشانی با وجود اصابت ۵ گلوله به بدنش زنده ماند و جریان را تا آنجا که دیده بود شرح داد.

سرهنگ پسیان در مورد رد دادخواهی محبوسین کابینه سیاه اطلبی نگاشته است که در پایان میگوید: مرا اگر بکشند قطرات خونم کلمه ایران را ترسیم خواهد نمود و اگر بسوزانند خاکمستم نام وطن را تشکیل خواهد داد جسد آن سرباز رشید در آرامگاه نادر بخاک سپرده شد و هنگامیکه صورت انالیه و دارائی او را صورت مجلس کردند جمع دارائی او چنین بود.

- ۱- شاهنامه فردوسی یکجمله
- ۲- دو صندوق چوبی محتوی کتابهای فرانسه- آلمانی- ترکی- عربی
- ۳- یک قابیچه ترکمنی
- ۴- دو دست لباس نظامی و چکمه
- ۵- سه عدد استکان و یک قوری بندزد.
- کلیه ااثیه سرهنگ را بمبلغ ۲۷۰ تومان تقویم و صورت مجلس شد.
- عارف قزوینی و دیگران در بساره او اشعار بسیاری سروده اند که از آن جمله است:
- زنده به خون خواصیت هزار سیبوش
- مردد از آن قطره خون که از تو زنده جوش
- عشق به ایران به خون کشیدت و این خون کی کند ایسرانی ارکس است فراموش
- دارد اگر خلق بساس خون تو سوزید
- مردد ایسران هزار سال سیه پوش
- همسری نادرست کشاند به جاسی
- گسار گسند تا نادرست کشید آغوش
- و شاعری دیگر
- رفتی و در ایران چو تو سرهنگی نیست
- با خصم وطن ستیزی و جنگی نیست
- سرداری و نسام نیک بسردی آری
- دو راه وطن دادن سر ننگی نیست
- با وجو اصرار ارا طرفیان بعلمت موقعیت
- کشود و کار زیاد و نداشتن فرصت برای
- زندگی داخلی ازدواج نکرد و از او فرزندی
- باقی نیست.
- روانش شاد

از یک گروه به گروه دیگر انتقال یافته باشد، یا اینکه بر اکثریت مردمی اعمال شده باشد. فاسد شده. تبدیل به دیکتاتوری می-شود. ماتنبا هنگامی می توانیم از تناقض بین قدرت و آزادی جلوگیری کنیم که آزادی بیوسنه در جریان تحول به قدرت در حال یک گردش دیالکتیکی باشد. دوست همانگونه که قدرت حقیقی بدون آزادی امکان پذیر نیست همانطور نیز آزادی بدون قدرت حقیقی امکان پذیر نمی-باشد سازمان دادن لازمه قدرت است و لی قدرت را با قدر طلبی اشتباه نباید کرد. سازمان دادن یک روند عمیق آموزشی است که در آن دولت و مردم با یکدیگر قدرت حقیقی و آزادی راستین را تجربه می کنند، سپس آنها از راه این تجربه می گویند انسانیت را با دگرگون کردن واقعیتی که بر آنها تحمیل شده در جامعه بیافرینند.

اعمال قدرت بادیکتاتوری متفاوت است

امکان اینکه برخی از مردم قدرت رهبری دولت انقلابی را قبول نکنند و به دنبال برنامه های دولت برای ایجاد انقلاب اجتماعی نروند، نباید سبب دل سردی اشخاصی که می خواهند واقعا به مردم آزادی و جدان دهند، شود. از آنجا که دخالت يك انارهای ذهنی و با يك امر انتزاعی نیست و در حقیقت دعوتی برای عمل است، بنابراین دگرگری با جهان و افرادی که در آن زندگی می کنند، امری طبیعی است. زیرا جهان و انسان همواره با توانمندی با یکدیگر مشغول مجادله هستند و ایستای نمی باشند. این اساس تحولات و یوایی انسان است که در جارجوب اجتماعی که مادر آن عمل می کنیم قرار می گیرد. برای رهبران انقلابی، سازمان دادن به

مفهوم اینست که خود را با مردم در یک نظام مشکل بگونه ای واحد در آورند و به دیگر سخن نظام و تشکیل برای دوباره بازگرداندن تسلط انسان بر سرنسوست خویش است و هدف اعمال آزادی است و گمترش آن. این گاملا حقیقی است که بدون رهبری نظام، تصمیم و هدف هیچ سازمانی زنده نخواهد ماند و اقدام انقلابی ممکن است در اثر عدم وجود یکی از آنها از بین برود یا کارایی خود را از دست بدهد. برپسب این حقیقت نمی تواند رفتار با مردم را به عنوان کلایی که باید مورد استفاده قرار گیرد، توجه کند مردمی که در اثر روش های نظام فاسد گذشته شخصیت خود را بطور کلی از دست دادند، اگر

مفهوم اینست که خود را با مردم در یک نظام مشکل بگونه ای واحد در آورند و به دیگر سخن نظام و تشکیل برای دوباره بازگرداندن تسلط انسان بر سرنسوست خویش است و هدف اعمال آزادی است و گمترش آن. این گاملا حقیقی است که بدون رهبری نظام، تصمیم و هدف هیچ سازمانی زنده نخواهد ماند و اقدام انقلابی ممکن است در اثر عدم وجود یکی از آنها از بین برود یا کارایی خود را از دست بدهد. برپسب این حقیقت نمی تواند رفتار با مردم را به عنوان کلایی که باید مورد استفاده قرار گیرد، توجه کند مردمی که در اثر روش های نظام فاسد گذشته شخصیت خود را بطور کلی از دست دادند، اگر

برای حفظ حقوق کارگر با کارشکنی هامبارز هشد



فروهر هنگام خداحافظی با کارکنان کانت یاری شما بیش از حد تصادم بود

جامعه اسلامی و کانون کارکنان و کارمندان اداره نقلیه وزارت کار و امور اجتماعی طی مراسمی که ظهر روز یکشنبه ششم مهرماه برپا داشتند خدمات صادقانه داریوش فروهر وزیر سابق کار و امور اجتماعی و وزیر مشاور دولت موقت جمهوری اسلامی را در خدمت به قشر زحمتکش کارگر ستودند. کارکنان وزارت کار درگرفت هم آبی خود مشکلاتی را که در آغاز شروع انقلاب در انجام فعالیتهای اداری داشتند برشمردند و از اینکه امروز تحت رهبری های قاطعانه امام خمینی رهبر عالی مملکت تا حد بسیاری در خدمت به صنعت مملکت و کارگر ایران وظیفهشان را انجام داده اند سرافرازی کردند.

داریوش فروهر هنگام تودیع با همکاران خود چنین گفت:
بنام خدا و بنام پایداری ایران خواهران و برادران عزیزم هفت ماهه نیم پیش بود که در روزهای برهیجان پس از پیروزی انقلاب در مرحله دوم شکست سلطه استبداد وابسته به بیگانه در برابر شما قرار گرفتیم و از شما برای شرکت در دوران سازندگی انقلاب اسلامی ملت ایران یاری طلبیدیم و امروز که قرار است به لحاظ کار تازه اداری از شما جدا بشویم بسیار خرسندیم که بگویم یاری کارکنان وزارت کار و سازمانهای وابسته در انجام وظیفه به من در راه این سازندگیها بیش از حد تصادم بود و موجب نهایت سیاسیگزارگی. دیکاران عزیز که اینجا سخن گفتند هر یک از انباشتگی کار، از دشواریهایی که در برابر بود و آنچه انجام گرفت شمه ای شرح دادند. من برای آگاهی همه تکرار میکنم که اگر همکاری شما نبود هرگز نمیتوانستیم کوچکترین گامی در راه بازگشت نظم در وزارت کار از برخلات گذشته، خدمتگزار کارگران ایران باشیم، برادرم همه این آرزوهای انجام شده را خود شما کردید و یادآوری میکنم تا کسانی که میخوانند در برابری این کارها از بیرون داوری داشته باشند آنرا درست بشناسند.

هیچ گس نمی تواند فراموش کند روزی هائی را که همه چرخهای اقتصادی و اداری کشور از کار باز ایستاده بود و باستی که از کار بازمی ایستاد. زیرا ملتی با دستی نسی به چنگ یکی از جنه های ترین دیکتاتوری های جهان رفته بود و جز اینگونه ابزارهای کار و بالاتر از آن به خود آموختن و از خود گذشتن در راه آرمان، وسیله ای نداشت. در همه زمینه ها... دست از کار کشیده بودیم و در این حال تصمیم نالیم داشتیم که نقطه یابی بسر سالها حارت، اسارت و اهانت ببینیم، با همبستگی همه افراد ملت ایران و با شناختن از شهادت و ادامه راه شهبان و چنانچه در راه هدف پیروزی بدست آمدنمون امیروارم برای حفظ دستاوردهای انقلاب یزگی که در مین ما رخ داد هرگز راز پیروزی را که در وحدت و شهادت نهفته است از یاد نبریم و همه توطئه ها را به ضد توطئه بدل کنیم. تا روزگار سیاه گذشته نه در ترقی و نه در بخشی از مین ما تکرار نشود. به موضوع اصلی سخن برمی گردم هنگامی که انقلاب به پیروزی رسید همه چرخها از کار افتاده بودی هرکس از نیروهای انقلابی برداشت خاصی داشت ولی من شاید همان روزهای نخست با شما همکاران عزیز در میان گذاشتم که اعتقاد دارم انقلاب ما یک انقلاب خودجوش و از میان توده مردم برخاسته است که یک رهبری عالی قاطع و توانا در جای آن قرار داشته و همه پیروزیها تصدین پیوند ناگسستنی آن رهبر و توده مردم بود... گرچه پیش قراولانی در طول سالان درازدوش یکبار سرانگه داشتند ولی هرگز اعتقاد نداشتیم که انقلاب مایک انقلاب سازمان یافته با برنامه سنجیده و دارای کادر اداری ورزیده بوده است و این را برای آن میگویم و تکرار میکنم تا کسانی

که فکر میکردند و شاید هنوز فکر می کنند که برای دوران سازندگی انقلاب هر کس را که در کارهای اداری گذشته نقشی داشته است باید کنار گذاشت آن کارهایی را که در طول انقلاب به پولاد ناب میل شده اند جایگزین کرد، این یک خودفریبی است در انقلاب ما چنین پولادهای نابی در هیچ یک از گروههای اجتماعی نبود بلکه اگر هم بود به تعداد و شمار کافی وجود نداشت. همه با هم... حتی کسانی که تا یکسال پیش تر از

شما بگونه پایگاهی برای دفاع از حقوق کارگران ایران درآید در این زمینه خود شما دیدارید که در بازگشتی کارخانه ها به فعالیت درآوردن واحدهای تسولیدی و امرانی چه تنش های کسترده ای داشته ایم و در گرفتن حقوق و امتیازهای کارگران که ماهها عقب افتاده بود بهرغم قیودتهائی که مقررات گذشته ایجاد می کرد چه کوشش هائی انجام داده ایم و سپس در مبار کردن نسبی بحران بیکاری از راه کوشش در بالا

روش های آنچنانی، و با تهمت و افترا رقیب را از میدان بدر کردن، درخور همان نظام های فاسد و پوسیده بود

بردن سطح اشتغال بعد تا اندازه ای هم با ایجاد صنوق وام کارگری اثر اساسی گذاریم و یک اشتباه را بنام شما از ذهن کسانی که دور با وظیفه وزارت کار انداخته است برون آوریم که عیج جای دنیواوزارت کار وظیفه ایجاد کار نداشت است اگر بیکاران از راه اضطرار بسوی ما می آیند و طلب کار می کنند بر آنها ایرادی نیست اما کسانی که میدانند در عیج کار... وزارت کار کار ایجاد نمی کند، ما بازم بسحران بیکاری را بعدی وزارت کار می گذارند! کج می اندیشند. وزارت کار وظیفه هدایت جویندگان کار به محل خالی کار را دارد. وظیفه تنظیم روابط کار را دارد. وظیفه دفاع از حقوق کارگرانی که مورد ستم قرار میگیرند را دارد. وظیفه بالا بردن سطح آموزش حرفه ای و در صورت لزوم جابجائی این نیرو را دارد و اگر بحران بیکاری هنوز ادامه دارد و خدای ناکرده ممکن است در ماههای آینده گسترش یابد هیچکس در وزارت کار در این زمینه عیج گناهی ندارد. وزارت کار نش خود را در این بساره بدرستی ایجا کرده است، باید که دست اندرکاران حکومت بیاد داشته باشند... دیگر بخشهای سازمانهای اداری است که باید کار ایجاد کنند تا شما بتوانید وظیفه خود را خوب انجام دهید. از این بگذریم، شما توانستیم فضائی ایجاد کنیم که برای نخستین بار کمپهای استواری در راه حفظ حقوق کارگران بهرغم همه کارشکنیها برداشته شود. در این فضا و با کمک یکایک کارکنان وزارت کار بود که سیاست خاصی که باید چه بودی اسلامی داشته باشد مورد قبول قرار گرفت و در تعیین دستمزد اثر گذاشت

عستند و اگر بپذیریم اجاره خانه که در حدود توانائی پرداخت کارمندان دولت باشد آنچنان که تصور مرفت ارژان نشده است و کالاها بطور غیر منتظره ای افزایش می یابد که در حدود توان پرداخت از سوی یک کارمند نیست ناگزیر باید چنین نتیجه بگیریم که کارائی کارمند و بازده کار او نزول خواهد کرد و چه بسا پس از مدت زمانی به صفر برسد و کار متوقف شود. از نحوه خروج سرمایه ملت که در واحدهای غیر دولتی متمرکز می شود اطلاعی در دست نیست و در صورتی که این سرمایه ها در اختیار دولت قرار می گرفت

افزایش قیمت شوند. کسر مالیاتهای سنگین از حقوق کارمندان بجای خود محفوظ مانده است و افزایش نرخ کالاها و گرانی بیش از حد تحمل مردم را دچار سرگردانی کرده است. هر چند که دولت برای کارمندان خود مبلغ هفتصد و پنجاه تومانی را که از دوره شریف امامی وضع شده بود همچنان حفظ کرد و حتی حقوق گروههای پایین شغلی را تا میزان ۲ هزار و ۵۰۰ تومان افزایش داد، لیکن با برداشتن درصد پرداختی به اجناس و کنترل نکردن قیمت کالاها در بازار کارمندان بیش از رقمهای دریافتی ناگزیر به پرداخت

افزایش قیمت شوند. کسر مالیاتهای سنگین از حقوق کارمندان بجای خود محفوظ مانده است و افزایش نرخ کالاها و گرانی بیش از حد تحمل مردم را دچار سرگردانی کرده است. هر چند که دولت برای کارمندان خود مبلغ هفتصد و پنجاه تومانی را که از دوره شریف امامی وضع شده بود همچنان حفظ کرد و حتی حقوق گروههای پایین شغلی را تا میزان ۲ هزار و ۵۰۰ تومان افزایش داد، لیکن با برداشتن درصد پرداختی به اجناس و کنترل نکردن قیمت کالاها در بازار کارمندان بیش از رقمهای دریافتی ناگزیر به پرداخت

برابر ساختن تعطیلات رسمی کارگران با کارمندان دولت از جمله هدف های بود که به یاری شما بدان دست یافتیم

را انجام می دهد من نمی گویم هرگز که آن کارائی لازم و آن پرکاری که نیاز دوران انقلاب است پدید آمده ولی می توانم بگویم از بی نظمی هایی که در بسیاری از گوشه های کشور کارهای اداری را فلج کرده است در میان شما کمتر نشانی وجود نداشته است و امید دارم این طرز کار بنا بر نیازی که اجتماع دارد همچون دنبال شود. یکی از دستاوردهای بزرگ وزارت کار از لحاظ سازمان خود ایجاد کانون کارکنان آن بوده است کارکنان هر نهادی هر موسسه ای بیشک خواسته ها منافع و مطالب خاصی دارند باید که با هم در همبستگی و تقاضا کامل بسر ببرند و باز برای من جای خرسندی است که در این مدت بجای بوجود آوردن نهادهائی که جدائی ها را در میان شما افزون کند هرکس زیر یک نام بیکسو برود و یک نظر خاص داشته باشد شما توانستید کانونی داشته باشید که منافع شما را در جمع حفظ کند یا براه تحکیم آن بجلو برود و این طرز کار فرصت داد که با مدیریت وزارتخانه نیز تقاضا برقرار شود اگر قرار بود آنچه که در جل های دیگر بوده است و آنچنان که بعضی کوششها در آغاز پیروزی انقلاب حتی در میان کارکنان وزارت کار بود من یا یک مدیر دیگر در وزارتخانه سردرگم باشم که باید با که سخن بگویم؟ از که راز بی بگریز؟ با که همکاری کند؟ بیشک توفیقی برای من پدید نمی آید. و ایجاد این کانون این فرصت را پدید آورده است که هرکس در اینجا باشد چه من بودم و چه فردا آقای

در وزارت کار هیچ به کارگماری و هیچ برکناری با بی صداوری و نظر شخصی انجام نگرفت

اسپیدی که می آید تا همکار شما باشند تکلیف روشنی دارد و می تواند از یک راه دست به همکاری کارکنان وزارت کار تکیه کند و من بعنوان سفارشی از همکاران عزیز میخواهم که هر چه بیشتر در این کانون شکل بیابند آنرا نیرومند سازند و عهده خواسته های خود را بخواهند که از دوران با بررسی کامل و سنجیده طرح کنند و فرصت بدهند که کار بصورت سازمانی وبا نظم در جهت پیروزی انقلاب به پیش برود

انقلاب اسلامی ملت ایران یکی از انسانی ترین انقلاب هایی بوده است که در جهان پدید آمده، لعنت به کسانی باد که از بیرون می کوشند چهره انقلاب ما را کدر کنند

بیداست که وجود این کانون توازن بسیار است. اینجمن هم چون انجمن اسلامی وجود داشته باشد با انجمن های فرهنگی دیگری با دارای اندیشه های دیگری بی هیچگونه برخورد، با هم در جهت انقلاب حرکت کنند نه تنها تباینی با کانون ندارد که بهر سو هدایت است و من اینجا وظیفه خود میدانم از پشتیبانی همه جانبه ای که انجمن اسلامی همواره از کارهای مسن گس کرده است سیاسیگزار می کنم. کوتاه سخن آنکه دیروز برای گروهی از همکاران گفتم من در وضعی غیر عادی به نزد شما آمدم برغم پاره ای بی نظمی ها که ممکن است در گوشه و کنار هنوز وجود داشته باشد برغم اندک کم کاری هائی که ممکنست وجود داشته و بسرغم ناراضی هائی که در یکی دو بخش از وزارتخانه

که مشتری برآورد کمتر خواهد شد و شاید به رکود و یا تعطیل واحدها هم بکشد. دولت باید از راه آتوت صنایع و در نظر گرفتن شرایط موجود دست به سرمایه گذاری بیشتری بزند و از اینکه چند درصد از سرمایه تلف می شود نباشد. زیرا در آن موقع است که همه ملت و بسا کمال میل مشغول بکار خواهند بود و علاقه کافی به انجام کار بهانه ای بسیار مناسب برای کسب درآمد بهتر و بیشتر خواهد بود. ادامه دویه گسر حقوق کارمند از راه

گراوتر شدن کالا و برداشتن درصدی که معمولاً دولتها برای کالاهای مورد نیاز مردم می پردازند از دوی کالا و مواد اولیه مورد نیاز مردم در عمل زندگی افراد را مختل خواهد کرد و اینطور که گفته می شود قدم بعدی دولت برداشتن مقداری دیگر از درصد پرداختی برای قند و شکر است که بطور حتم نرخ شکر و قند با تریب تازه بیش از صد درصد افزایش خواهد یافت که دولت نباید منتظر واکنش مردم و سپس تصمیم گیری در تعدیل تصمیمها کند.

